

بررسی نقش و اثرات حکمرانی خوب در رشد اقتصادی ایران

محمدشریف کریمی

عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه رازی
sharifkarimi@yahoo.com

معصومه دورباش

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد انرژی دانشگاه رازی
masoume.dourbash@gmail.com

مریم حیدریان

کارشناس ارشد اقتصاد انرژی دانشگاه رازی
maryamheidarian.1368@yahoo.com

چکیده:

براساس دیدگاه اقتصاددانان نهادگرا، ضعف ساختار و عملکرد نهادها یکی از دلایل توسعه نیافتگی کشورها است. حکمرانی خوب به عنوان فرصتی برای افزایش رشد اقتصادی، امنیت اقتصادی و بهبود فضای کسب و کار می‌تواند نقش بسزایی در رسیدن به اهداف توسعه پایدار ایفا کند. بنابه اهمیت موضوع، در مطالعه حاضر تلاش گردیده ضمن تبیین مکانیسم ارتباط حکمرانی خوب با بهبود رشد اقتصادی، در قالب الگوی اقتصادسنجی تصحیح خطای برداری، اثرگذاری حکمرانی بر رشد اقتصادی در دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۶۲ برای ایران مورد بررسی قرار گیرد. نتایج حاصل از برآورد مدل نشان می‌دهد که حکمرانی دارای تأثیرگذاری مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی است. نتایج سایر متغیرها نیز دال بر وجود رابطه مثبت بین نرخ اشتغال، سرمایه‌گذاری، درآمدهای مالیاتی، مخارج واقعی دولت و نرخ تورم با رشد اقتصادی است. همچنین بازبودن تجاری تأثیر منفی بر رشد اقتصادی ایران داشته است. به طور کلی پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران اقتصادی، فعالیت‌های انجام شده جهت بهبود نحوه حکمرانی را به مثابه یک سرمایه‌گذاری مفید تلقی کنند تا نتیجه آن بهبود رشد اقتصادی و افزایش رفاه جامعه شود.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، رشد اقتصادی، روش تصحیح خطای برداری، ایران

Investigating the role and effects of good governance on economic growth in Iran

Mohammad Sharif Karimi

Assistant Professor of Economics, Razi University

Maryam Heidarian

Ma. In Energy Economics, Razi University

Masoume Dourbash

Ma. Student of Energy Economics, Razi University

Abstract:

According to institutional economists view, structure and function weaknesses of institutions is one of the reasons for underdevelopment countries. Good governance as an opportunity for economic growth, economic security and improve the business environment can play a significant role in achieving the goals of sustainable development. In this study we attempted to explain the mechanism of the relationship between good governance and economic growth, using vector error correction econometric model, the impact of governance on economic growth in the period 1983-2015 for Iran to be examined. The results of model estimation indicate that governance have a positive and significant effect on economic growth. Also other variables results indicate a positive relationship between the employment rate, investment, tax revenues, real government spending and inflation with economic growth. Trade openness also has a negative effect on economic growth. In general, it is recommended that economic policy making; activities to improve the governance considered as a useful investment until caused improve economic growth and increasing prosperity in society.

Keywords: good governance, economic growth, vector error correction method, Iran

مقدمه

رشد و توسعه اقتصادی از اهداف مهم کلان اقتصادی هر کشور است، زیرا برای افزایش سطح زندگی افراد باید شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بهبود یابد و این مهم جز در سایه رشد و توسعه اقتصادی کشور میسر نیست. در دنیای امروز که شکاف بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه کاملاً قابل درک است، جنبش عظیمی در بین کشورهای جهان برای از بین بردن این شکاف بوجود آمده است. لذا توجه به مقوله رشد و توسعه اقتصادی به سرعت در حال افزایش است. برای رسیدن به رشد و توسعه عوامل بسیاری را می‌توان مؤثر دانست. برای یک برنامه‌ریزی کامل و منسجم درباره رشد هر کشور لازم است که به تمامی عوامل مذکور توجه شود تا بتوان حرکت در مسیر رشدی بلندمدت و متعادل را تا حدودی تضمین کرد. راهکارهای متفاوتی برای رسیدن به رشد اقتصادی وجود دارد که برای انتخاب یکی از آن‌ها به عنوان استراتژی توسعه باید برای هر کدام از آن‌ها، توانایی‌ها، ضعف‌ها و زمینه‌های مورد نیاز و همچنین توانایی‌های اقتصادی هر کشور در اجرای آن سیاست به خوبی بررسی شود تا سیاستی اتخاذ شود که بیشترین هماهنگی را با شرایط جامعه داشته باشد.

براساس اهداف اعلام شده توسط سازمان ملل از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰، کلیه کشورهای عضو سازمان ملل باید تلاش کنند که به اهداف و شاخص‌های توسعه پایدار با همکاری و تعامل یکدیگر در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دست یابند. توسعه پایدار یعنی توسعه‌ای که نیاز فعلی جامعه را بدون خدشه وارد کردن به توانایی‌های نسل‌های آتی در تأمین نیازهایشان، ایجاد کند و به فرصت‌هایی که برای روشن کردن دوره جدید از تحول در جهت تغییر اساسی جهانی دالالت داشته باشند، تأکید نماید.

در مسیر دستیابی به شرایط پایداری و به ویژه در دروان گذار، وظایف گسترده‌ای بر عهده دولت‌ها محول شده است، آن‌ها موظف هستند تا مؤلفه‌های توسعه پایدار را در تمامی سطوح برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها رعایت کنند. مسلماً بدون تحرک و حمایت دولت‌ها به عنوان مهمترین عامل توسعه پایدار نمی‌توان توسعه‌ای ملی، متوازن و پایدار در اقتصادهای در حال توسعه تضمین کرد (بهرام‌زاده، ۱۳۸۲، ۳۹).

در مدل‌های سنتی رشد، کشورها و حتی فناوری‌ها، یکسان فرض می‌شدند. این مدل‌ها ریشه تفاوت رشد اقتصادی در کشورهای مختلف را به نرخ رشد عوامل تولید نسبت می‌دادند. در مرحله بعد اقتصاددانان تلاش نمودند تا با کنترل مدل نسبت به عوامل دیگر، همچون سرمایه انسانی، درجه توسعه‌یافتگی بخش مالی، کیفیت سیاست‌های اقتصاد کلان در کشورهای مختلف، رشد پسماند توضیح داده نشده را به حداقل برسانند (شریف‌آزاده و حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۸۲).

در این مسیر حتی تفاوت کارکرد تکنولوژی در کشورها و مناطق مختلف مورد نظر قرار گرفت؛ ولی باز هم پسماند توضیح داده نشده قابل توجه بود. در سومین مرحله، پژوهشگران توجه خود را به عوامل غیراقتصادی تأثیرگذار بر رشد متمرکز کردند. توجه به عوامل غیراقتصادی به عنوان منشأ دیگری برای ناهمگنی کشورها، این پرسش را مطرح ساخت که چه ارتباطی میان نهادها به طور عام و نهادهای سیاسی و اجتماعی به طور خاص با رشد وجود دارد. در این زمینه پژوهش‌های وسیعی توسط اقتصاددانان صورت گرفت و نتایج قابل توجهی به دست آمد. موضوعاتی از قبیل؛ میزان نمایندگی دولتمردان از جانب مردم، ثبات سیاسی، میزان ثبات رژیم حاکم و احتمال تداوم سیاست‌های جاری در صورت مرگ‌ومیر یا تغییر رهبران و دولتمردان، حدود حاکمیت نظم و قانون، خطر بی‌اعتنایی به قراردادهای توسط مردم، فساد در دستگاه‌های اداری و موضوعاتی از این قبیل متغیرهای جدیدی بودند که در این مرحله وارد ادبیات رشد اقتصادی شدند و به تدریج این مفاهیم تحت‌عنوان شاخص‌های حکمرانی خوب^۱ شناخته شدند (نصیرخانی، ۱۳۹۳، ۸۶).

حکمرانی خوب مفهوم بسیار گسترده‌ای را در برمی‌گیرد که ناظر بر تعامل مؤثر میان سه رکن: دولت، بازار و نهادهای مدنی است. در نظریه‌ی حکمرانی خوب از دولت به‌عنوان یک نهاد اجتماعی نهادساز یاد می‌شود. به طوری که این توانایی را دارد تا با ایجاد نهادهای حامی بازار، زمینه‌های رشد اقتصادی را فراهم آورد. تبعاً این دولت تکامل یافته به صفات و ویژگی‌های دولت‌های پیشین آراسته است که وی را در انجام وظایف اقتصادی خویش از جمله ارتقای رشد اقتصادی توانمندتر می‌سازد. از این رو در این مقاله تلاش بر آن است، با بررسی میزان تأثیرگذاری حکمرانی خوب بر نرخ رشد اقتصادی در ایران با استفاده از روش

^۱ Good governance

هم‌انباشتگی^۲ و تصحیح خطای برداری^۳ و در دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۶۲، مجموعه گسترده‌ای از سیاست‌های اجرایی را مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، که آشنایی با آنها می‌تواند در تعیین اصلاحات اقتصادی در حوزه‌های مختلف کشور مؤثر باشد. ساختار این مقاله به صورت زیر سازماندهی شده است؛ در ادامه، به ادبیات نظری حکمرانی خوب و ارتباط این شاخص با رشد اقتصادی پرداخته شده، سپس مطالعات تجربی انجام شده در داخل و خارج از کشور ارائه خواهد شد. بخش دوم مباحث مربوط به روش‌شناسی تحقیق و معرفی متغیرها را در بردارد. بخش سوم به یافته‌های تجربی این پژوهش اختصاص دارد و سرانجام در بخش نهایی، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای مطرح می‌شود.

چگونگی شکل‌گیری حکمرانی خوب

از هنگام ظهور علم اقتصاد توسعه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، سیاست‌گذاری توسعه اقتصادی به سه دوره متمایز قابل تفکیک است. دوره نخست از پایان جنگ جهانی دوم شروع می‌شود و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه می‌یابد. نظریات اقتصاد کینزی دولت را عامل تصحیح‌کننده شکست بخش خصوصی می‌دانستند که با طرح‌های عمرانی دولتی و صرفه‌های مقیاس حاصل شده از آن، فرایند توسعه را تسریع می‌بخشید. اما شرکت‌های دولتی در عمل نشان دادند که کارایی و انعطاف‌پذیری لازم را نداشته، در معرض فشارهای سیاسی و تورم نیروی کار قرار دارند و اکثریت آن‌ها زیان‌ده‌اند. در دوره دوم و رویکرد مکتب شیکاگو که به اجماع واشنگتنی معروف شد، باور به قدرت بخش خصوصی و انتخاب مردم بود و کارآمدی رقابت و قیمت‌ها جای تخصیص دولتی منابع را می‌گرفت. طبق این دیدگاه، بخش خصوصی بهترین نتایج را به بار می‌آورد و قیمت‌ها بهترین تخصیص-دهنده منابع هستند. هرگونه دخالت دولتی برای تغییر در آنچه بخش خصوصی به وجود می‌آورد، ضد تولیدی است. نگاه به دولت از عامل توسعه به جدی‌ترین مانع توسعه تغییر یافت. فرض می‌شد که نهاد دولت تحت فشار گروه‌های همسود، به دستگاه تولید و توزیع افزونه تبدیل می‌شود؛ پس هر اندازه دولت کوچکتر شود بهتر است. از آن پس موجی تازه از نظریات و رویکردها آغاز شد. سیاست‌های تعدیل در اواسط دهه ۱۹۹۰ مورد انتقاد گسترده اقتصاددانان نهادگرا و در رأس آنها جوزف استیگلیتز^۴ قرار گرفت. وی نظرات انتقادی خود را در قالب سیاست‌های "اجماع پسا واشنگتنی" در سال ۱۹۹۸ مطرح ساخت. وی معتقد است که تعامل سازنده دولت-بازار می‌تواند راهگشای موفقیت فرایند اصلاحات اقتصادی در کشورهای در حال توسعه باشد. در این مسیر آنچه از اهمیت اساسی برخوردار می‌باشد، علاوه بر توانمندسازی بخش خصوصی اعمال اصلاحات گسترده در حوزه دولت است (میرزا ابراهیمی، ۱۳۸۵، ۵۴).

در اجماع پسا واشنگتنی، دولت و بازار دو نهاد مکمل هستند نه دو نهاد رقیب؛ بنابراین به جای بحث از مداخله یا عدم مداخله دولت باید از کارایی و اثربخشی مداخله دولت سخن گفت. در واقع دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی نهادساز، باید با ایجاد نهادهای کارآمد و توانمند، محیط مناسبی برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه به گونه‌ای کم‌هزینه، ساده و به دور از اتلاف وقت مهیا سازد و از این رهگذر به عنوان دست یاری‌دهنده بازار موجبات رشد اقتصادی را فراهم نماید. تدارک موفقیت‌آمیز این نهادها اغلب تحت عنوان حکمرانی خوب مطرح می‌شود.

نظریه پردازان حکمرانی خوب معتقدند کارکرد نظام بازار به طور کلی مستلزم ساماندهی روابط کارفرما-کارگزار در همه عرصه‌ها است. ارتباط میان مالک و مدیر، ارتباط میان بنگاه‌ها و روابط درون بنگاه همگی نیازمند ساماندهی روابط کارفرما-کارگزار است. هرکجا پای قرارداد و انتقال اختیارات در میان است، باید دولت شرایط لازم برای انعقاد و اجرای صحیح و کامل قراردادها را تضمین کند (میدری، ۱۳۸۵).

اگر شعار دوره اول را "دولت کوچک" و دوره دوم را "دولت، موتور توسعه" بدانیم، شعار دوره سوم "حکمرانی خوب" است. در واقع در دوره سوم ماهیت مسأله تغییر یافت، در دوره‌های پیشین مسأله ابعاد دولت (بزرگی و کوچکی) آن مطرح بود، اما در این دوره کمیت دولت جای خود را به کیفیت مداخله دولت داده است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳).

² Johansen-Juselius

³ Vector Error Correction Model

⁴ Joseph E. Stiglitz

شاخص حکمرانی، رابطه بین عملکرد حکومت و رضایت از زندگی را اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص نشان می‌دهد که چگونه نوع حکومت یک کشور، مستقیماً بر کیفیت زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارد. شاخص مذکور به اندازه‌گیری مقدار آزادی یا محدودیت‌های اقتصادی و سیاسی که برای شادی و خشنودی شهروندان ضروری می‌باشد، کمک می‌کند.

شاخص‌های اندازه‌گیری حکمرانی خوب و رشد اقتصادی

امروزه تمایلات زیادی برای درک ماهیت حکمرانی به عنوان ابزار ارتقاء فرایند توسعه‌یافتگی وجود دارد. نهادهای مالی بین‌المللی نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول همگی بر این عقیده اند که حکمرانی خوب یک ضرورت حیاتی برای کمک به تحقق برنامه‌های توسعه است. در دهه‌های اخیر و مخصوصاً در دهه ۹۰ میلادی تحقیقات زیادی توسط محققان در مورد مدیریت دولتی و انتخاب بهترین چارچوب حاکمیتی دولت صورت گرفته است که در این میان تحقیقات بانک جهانی جایگاه خاصی برخوردار است. حکمرانی مفهوم گسترده‌ای دارد که با حوزه‌هایی چون محیط اقتصادی و یا به عبارتی امنیت اقتصادی، سیاست، اجتماع و حقوق ارتباط مستقیم دارد. بانک جهانی در گزارش سال ۱۹۹۷ که تحت عنوان «نقش دولت در جهان در حال تحول» منتشر شد، نه تنها بر نقش تعیین‌کننده دولت در تغییر و تحولات اقتصادی اشاره کرده است، بلکه دامنه بحث‌های نظری و تجربی در مورد کارکرد دولت را در سطح جهانی گسترش داد که در نهایت سلسله مباحث مذکور به تعیین مفهوم حکمرانی منتهی گردید، بانک جهانی، حکمرانی را شیوه استفاده از قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی برای دستیابی به توسعه پایدار تعریف می‌کند. مطابق با این تعریف، کشورهای عضو باید به بهبود سازوکارهای تخصیص منابع، فرآیندهای تدوین، انتخاب و اجرای خط‌مشی‌ها و روابط بین شهروندان و حکومت بپردازند. این سازمان، حکمرانی خوب را به عنوان سنت و نهادهایی تعریف می‌کند که توسط آن‌ها قدرت به منظور مصلحت عمومی در یک کشور اعمال می‌شود و مشتمل بر سه مؤلفه زیر است:

- ۱- شکل رژیم سیاسی؛ فرایندی که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تعویض می‌شوند که در مورد این مؤلفه دو شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی^۵ و ثبات سیاسی و عدم خشونت^۶ مطرح هستند.
- ۲- فرآیند اعمال اقتدار در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی برای توسعه؛ ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های درست مؤلفه دوم است که دو شاخص اثربخشی دولت^۷ و نیز بار مالی مقررات^۸ را شامل می‌شوند.
- ۳- ظرفیت حکومت برای طراحی و تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها و وظایف اجرایی؛ احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آنها را اداره می‌کنند مؤلفه سوم است که دو شاخص حاکمیت قانون^۹ و کنترل فساد^{۱۰} را در بر می‌گیرد.

در این تعریف هر اندازه ویژگی‌های مثبت مانند حاکمیت قانون، پاسخگویی و اثربخشی دولت در یک جامعه بیشتر باشد و فساد، مقررات اضافی و بی‌ثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد، حکمرانی در آن جامعه برای نیل به توسعه مناسب‌تر است. در این نظریه، ضمن پذیرش دخالت منطقی دولت بر نقش تسهیل‌گری آن تأکید می‌شود و با رویکرد توسعه سیاسی و دموکراسی بر نقش مهم دولت در بسترسازی به منظور تقویت نهادهای مدنی، آزادی‌های اجتماعی تأکید می‌شود. همچنین در حکمرانی خوب بین سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی ارتباط نزدیکی وجود دارد، شراکت موجود سبب می‌شود که از امور عمومی به شکل صحیح‌تر و بهینه‌تری بهره‌برداری شود. ارتباط صحیح موجود بین سه رکن فوق زمینه را برای تحقق حکمرانی خوب در ابعاد مختلف میسر می‌سازد و در حکمرانی خوب این سه رکن به عنوان فعالان اصلی محسوب می‌شود (برادران شرکاء و ملک الساداتی، ۱۳۸۷، ۳۲).

⁵ Voice and Accountability

⁶ Political Instability and Violence

⁷ Government Effectiveness

⁸ Regulatory Burden

⁹ Rule of Law

¹⁰ Corruption

مروری بر مطالعات تجربی انجام شده

مطالعات خارجی

در زمینه بررسی حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی مطالعات مختلفی صورت گرفته است که در این قسمت به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. مایور^{۱۱}(۱۹۹۵)، کلاگیو (۱۹۹۷)، آلسینا (۱۹۹۸)، لاپور و همکاران^{۱۲} (۱۹۹۸)، کناک^{۱۳} (۲۰۰۳)، فنگ^{۱۴} (۲۰۰۳) و کناک و کیفر^{۱۵} (۲۰۰۳)، رابطه مثبت و معناداری را میان شاخص‌های حکمرانی خوب که آن را شاخص کیفیت نهادی نامیدند با رشد اقتصادی اثبات نمودند. این مطالعات نشان می‌دهد بهبود حاکمیت قانون و کنترل فساد، اثرات مستقیمی بر توسعه اقتصادی و توسعه انسانی خواهد داشت.

در مطالعه گیلبرت^{۱۶} (۲۰۰۳)، موضوع مورد بررسی اهمیت حکمرانی خوب، کیفیت نهادها در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای مختلف می‌باشد. به منظور بررسی تأثیر کیفیت نهادها بر رشد و توسعه اقتصادی، گیلبرت فرضیه‌هایی را در مطالعه خود به کار برد: الف) بر اساس مدل رشد درون‌زا، سیاست آزاد تجاری بر عملکرد اقتصادی تأثیر مثبتی دارد. ب) کیفیت نهادها نیز تأثیر مثبتی در بهبود توسعه اقتصادی دارد. در این مطالعه با استفاده از داده‌های تلفیقی در دوره زمانی ۱۹۹۷-۲۰۰۰ برای ۱۰۲ کشور نتیجه‌گیری می‌شود که ارتباط مستقیم و معناداری میان شاخص‌های کیفیت مقررات و کارایی دولت به عنوان جانشینی برای شاخص حکمرانی خوب و عملکرد خوب و عملکرد اقتصادی که به وسیله نرخ رشد درآمد اندازه‌گیری می‌شود، وجود دارد.

جلیلیان و همکاران^{۱۷} (۲۰۰۷) در مقاله خود با استفاده از یک مدل اقتصادسنجی به بررسی اثر قوانین و مقررات حکومتی بر رشد اقتصادی در بین کشورهای در حال توسعه می‌پردازند، براساس این مقاله قوانین و مقررات یک کشور می‌تواند به عنوان یکی از معیارهای حکمرانی خوب در نظر گرفته شود، ارائه یک رژیم قانونی که رشد اقتصادی را ترویج دهد و نه اینکه تحت فشار قرار دهد، یکی از بخش‌های مهم حکمرانی خوب است. در این مقاله این فرضیه که کیفیت و کارایی قوانین، عملکرد اقتصادی یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در قالب دو مدل داده‌های مقطعی و پانل مورد بررسی قرار گرفته است. اطلاعات مورد استفاده در مدل داده‌های مقطعی شامل اطلاعات ۱۱۷ کشور است که میانگین داده‌های سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ برای آن در نظر گرفته شده است، در مدل داده‌های ترکیبی نیز، اطلاعات ۹۶ کشور جهان برای دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج مبتنی بر هر دو الگوی مورد استفاده، تأییدکننده یک رابطه سببی میان کیفیت مقررات و عملکرد اقتصادی می‌باشد. هوینه و همکاران^{۱۸} (۲۰۰۹)، با استفاده از روش‌های غیرپارامتری، به بررسی تجربی رابطه بین رشد و حکمرانی پرداخته‌اند، آن‌ها از شش شاخص محاسبه شده توسط بانک جهانی و به صورت مجزا به بررسی رابطه بین آن‌ها و رشد اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که تنها سه شاخص از شش شاخص محاسبه شده یعنی حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و حاکمیت قانون رابطه معناداری با رشد اقتصادی دارند و این رابطه به صورت غیرخطی می‌باشد، از طرف دیگر سه شاخص اثربخشی حکومت، کیفیت قوانین و مقررات و کنترل فساد، تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی ندارند.

فتاس و میهوف^{۱۹} (۲۰۱۱)، تنها از شاخص بی‌ثباتی سیاسی برای اندازه‌گیری کیفیت نهادی در کشورهای منتخب جهان در سال‌های ۱۹۹۷-۲۰۰۷ استفاده کردند و الگوی خود را به روش داده‌های تابلویی تخمین زدند و به تأثیر منفی بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی این کشورها رسیدند.

¹¹ Mauro and keefer

¹² La Porto et al.

¹³ Knack

¹⁴ Feng

¹⁵ Knack and keefer

¹⁶ Gilbert Niyongabo

¹⁷ Jalilian et al.

¹⁸ Huynh et al.

¹⁹ Fatas and Mihov

فایسا و نسیا^{۲۰} (۲۰۱۳)، در مطالعه خود نشان دادند که حکمرانی خوب به تفاوت‌های بین ۳۹ کشور منطقه جنوب آفریقا کمک می‌کند و در نتیجه نقش حکمرانی خوب در رشد اقتصادی به سطح درآمد بستگی دارد.

هیوانگ و هو^{۲۱} (۲۰۱۷)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "حکمرانی و رشد اقتصادی در آسیا" به بررسی رابطه علیت گرنجری بین حکمرانی و رشد اقتصادی در ۱۲ کشور آسیایی در طی دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۹۶ پرداختند. کشورهای مورد بررسی در این مطالعه به سه گروه کشورهای آزاد، تا حدودی آزاد و غیر آزاد تقسیم شدند. نتایج تجربی این مطالعه نشان داد که به غیر از کره جنوبی، کشورهای آزاد هیچ رابطه علیت از حکمرانی به رشد اقتصادی ندارند. برای کشورهای تا حدودی آزاد به غیر از اندونزی و تایلند، نقش حاکمیت قانون دارای رابطه علیت با رشد اقتصادی است. کشورهای غیر آزاد نیز، رابطه علیت معناداری از حکمرانی و به خصوص اثربخشی دولت و حاکمیت قانون به رشد اقتصادی دارند.

مطالعات داخلی

برادران شرکاء و ملک السادات (۱۳۸۳)، طی پژوهشی با عنوان "تأثیر حکمرانی خوب (بر اساس شاخص‌های بانک جهانی) بر رشد اقتصادی" در ۳۰ کشور منتخب طی سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۹۶ می‌پردازند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نه تنها حکمرانی خوب بر اساس میانگین موزون شاخص حکمرانی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد، بلکه علاوه بر آن، هر یک از سه گروه مؤلفه‌های حکمرانی خوب نیز، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارند.

کمبجانی و سلاطین (۱۳۸۷)، مطالعه‌ای را تحت عنوان "تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD در طی سال‌های ۲۰۰۷-۱۹۹۶"، منتشر کردند، سپس دریافتند ارتباط مثبت و معناداری میان شاخص کیفیت حکمرانی و رشد اقتصادی در هر دو گروه وجود دارد، تأثیرگذاری شاخص کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای عضو OPEC بیشتر از گروه کشورهای عضو OECD می‌باشد و همچنین شاخص ثبات سیاسی در گروه کشورهای عضو OPEC و شاخص کنترل فساد در گروه کشورهای عضو OECD دارای بیشترین تأثیر بر نرخ رشد اقتصادی می‌باشند.

جعفری صمیمی و آذرمنند (۱۳۸۴)، در مطالعه‌ای تأثیر آزادی اقتصادی، ثبات سیاسی و حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی را در کشورهای منتخب جهان به روش حداقل مربعات معمولی تخمین زدند. نتایج تحقیق آنها به تأثیر مثبت و معنی‌دار سه شاخص منجر شده است.

عیسی‌زاده و احمدزاده (۱۳۸۸)، از میانگین شاخص حکمرانی خوب برای کشورهای با سطوح مختلف توسعه استفاده کردند و پس از تخمین به روش حداقل مربعات معمولی به تأثیر معنی‌دار تمام زیرشاخص‌های حکمرانی خوب به جز حق اظهارنظر و پاسخگویی برای تمام کشورها دست یافتند.

ندیری و محمدی (۱۳۹۰)، از شاخص حکمرانی خوب برای بررسی تأثیر نهادها بر رشد کشورهای مختلف جهان به روش داده‌های تابلویی پویا استفاده کردند. نتایج تحقیق آنها نشان دهنده تأثیرگذاری نهادها بر رشد اقتصادی کشورها در سطح جهان به جز کشورهای نفتی است.

متفکرآزاد و همکاران (۱۳۹۲)، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر تولید ناخالص داخلی ۷۴ کشور دنیا در سال ۲۰۰۸ پرداختند. آنها با استفاده از مدل کاب-داگلاس، تولید ناخالص داخلی را تابعی از نحوه حکمرانی، سرمایه فیزیکی، نیروی کار و سرمایه انسانی دانسته و نتایج مطالعه آنها دال بر تأثیر مثبت حکمرانی خوب بر تولید است.

نصیر خانی (۱۳۹۳)، در مطالعه‌ای با عنوان "تأثیر حکمرانی خوب به عنوان شاخص اخلاقی بر رشد اقتصادی"، با استفاده از داده‌های آماری ایران و کشورهای اسلامی منتخب طی دوره ۲۰۱۲-۱۹۶۰، نشان دادند که در طول زمان با افزایش کیفیت حکومت به میزان یک درصد، رشد پنج درصدی تولید ناخالص داخلی برای کشورهای مورد مطالعه دارد و متغیرهای تحقیق می‌توانند ۳۵ درصد از تغییرات نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را توضیح دهند.

²⁰ Fayissa and Nsiah

²¹ Huang and Ho

شاکری و همکاران (۱۳۹۴)، مقاله‌ای با موضوع "کیفیت نهادی و بررسی رابطه آن با رشد اقتصادی سرانه در خاورمیانه و شمال آفریقا با استفاده از داده‌های تابلویی در دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۲" منتشر کردند. نتایج حاصل از تخمین الگوهای رشد نشان می‌دهد، کیفیت بروکرسی رابطه مثبت و معناداری با رشد دارد. ثبات سیاسی و کنترل فساد رابطه منفی و اثربخشی دولت، حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی و حاکمیت قانون رابطه مثبت اما بی معنی را نشان می‌دهند.

نتایج کلی حاصل از مطالعات داخلی و خارجی نشان می‌دهد:

- موضوع حکمرانی خوب در عملکرد بلندمدت رشد اقتصادی حائز اهمیت است، به گونه‌ای که ارتباط مثبت و مستقیمی میان حکمرانی خوب و رشد بلندمدت اقتصادی وجود دارد.

- توانایی دولت در فراهم ساختن نهادهای پشتیبان رشد و کاهش فقر و ایجاد حکمرانی خوب، امری حیاتی برای توسعه است.

- حکمرانی ضعیف، کارایی و بهره‌وری مخارج عمومی را کاهش می‌دهد و فساد و رشوه‌خواری را افزایش می‌دهد و مانع سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد اقتصادی می‌شود.

بنابراین هدف اصلی این پژوهش نیز بر این اصل قرار گرفت که اثر شاخص حکمرانی خوب را بر رشد اقتصادی ایران مورد بررسی قرار دهد. تمایز این مطالعه با مطالعات انجام شده، در بعد زمانی و مکانی پژوهش و همچنین روش اقتصادسنجی است. تاکنون مطالعاتی که انجام شده، به روش داده‌های تابلویی و برای کشورهای منتخب بوده است. ولی در این پژوهش با توجه به دوره زمانی انتخابی تلاش شده است، اثر حکمرانی بر رشد اقتصادی تنها برای کشور ایران در بلندمدت محاسبه شود. مسلماً تمرکز نتایج بر یک کشور، می‌تواند نتایج کاربردی‌تری جهت سیاست‌گذاری‌ها ارائه نماید.

روش‌شناسی تحقیق و معرفی متغیرها

رویکرد تصحیح خطای برداری (VECM)

هنگامی که رفتار چند متغیر سری زمانی مورد بررسی قرار گرفته می‌شود، لازم است به ارتباط متقابل این متغیرها در قالب یک الگوی سیستم معادلات همزمان توجه شود. اگر معادلات یک الگوی ساختاری شامل متغیرهای با وقفه نیز باشد در اصطلاح آن را الگوی سیستم معادلات همزمان پویا می‌نامند. در چنین الگویی، برخی از متغیرها درون‌زا تلقی می‌شوند و برخی دیگر، برون‌زا یا از پیش تعیین شده هستند.

در رویکرد معادلات ساختاری برای مدلسازی سری زمانی، از نظریه‌های اقتصادی به منظور مدل‌سازی روابط بین متغیرها استفاده می‌شود، اما نظریه اقتصادی در اغلب موارد از استغنای کافی برای ایجاد یک تصریح پویا که بتواند تمام روابط را شناسایی کند، برخوردار نیست. همچنین وقتی متغیرهای درون‌زا در دو طرف معادله ظاهر می‌شوند، کار تخمین و استنباط از نتایج را با مشکل مواجه می‌سازد. بنابراین، کاربرد الگوهای ساختاری در مدل‌سازی، با انتقادهایی روبه‌رو بوده است. مهم‌ترین آن انتقاد سیمز^{۲۲} (۱۹۸۰) در رابطه با محدودیت‌های نامعتبر^{۲۳} (مانند محدودیت‌های صفر) است که بر پارامترهای الگو به منظور شناسایی وضع می‌شود.

در واقع، نظریه‌های اقتصادی، اطلاعاتی در خصوص پارامترهای روابط کوتاه‌مدت یا پویایی‌های الگو ارائه نمی‌دهند. به طور معمول نظریه‌ها روابط بلندمدت یا ایستا بین متغیرها را مشخص می‌سازند. سیمز عنوان می‌کند که هنگام انتخاب محدودیت‌ها در تصریح معادلات ساختاری همزمان، قواعد سرانگشتی و قضاوت‌های کارشناسی جایگزین نظریه‌های اقتصادی کلاسیک مبتنی بر بهینه‌یابی اقتصادی می‌شود. به علاوه طبقه‌بندی متغیرها به درون‌زا و برون‌زا اختیاری و غیرقابل قبول است. این نوع طبقه‌بندی بازخورد بین متغیرها را لحاظ نکرده و منجر به تخمین نادرست ضرایب می‌شود. همچنین عدم تصریح صحیح پویایی‌های الگو در رویکرد سنتی ممکن است به پیش‌بینی‌های ضعیف و رد نظریه‌های اقتصادی منجر شود (حائری، ۱۳۷۶).

²² Sims

²³ Incredible Restrictions

دومین اشکال که به انتقاد لوکاس شهرت یافت، مربوط به نحوه برخورد با انتظارات در الگوهای ساختاری بود. در این الگوها به طور گسترده‌ای از انتظارات تطبیقی استفاده می‌شد که با نظریه انتظارات عقلایی و رفتار بهینه‌یابی سازگاری ندارد. این مشکلات، اقتصادسنج‌دانان را بر آن داشت تا از رویکرد غیرساختاری برای مدل‌سازی روابط بین چند متغیر سری-زمانی استفاده کنند. یکی از این رویکردها، رویکرد خودتوضیح برداری^{۲۴} (VAR) است. این رویکرد توسط سیمز در سال‌های ۱۹۷۲، ۱۹۸۰ و ۱۹۸۲، به عنوان جایگزینی برای الگوهای کلان‌سنجی معرفی شد. الگوهای VAR، براساس روابط تجربی که بین نهاده‌ها نهفته است، پایه‌گذاری شده و به صورت فرم خلاصه شده سیستم معادلات همزمان مدنظر قرار می‌گیرد که هر یک از متغیرهای درون‌زا روی وقفه‌های خود و وقفه‌های متغیرهای دیگر در سیستم برازش می‌شود. از این‌رو، در این الگوها نیازی به تصریح روابط ساختاری کوتاه‌مدت یا دانش ساختاری از روابط علی بین متغیرهای الگو وجود ندارد. نکته قابل توجه آن است که در مدل‌های VAR، هیچ تلاشی برای حذف یا کاهش پارامترهای موجود در مدل صورت نمی‌گیرد. بدون شک تعداد پارامترهای یک مدل VAR بیش از اندازه است که در آن بسیاری از پارامترهای برآورده شده از نظر آماری، معنادار نیستند، اما هدف از تخمین این مدل‌ها حصول به روابط متقابل اساسی موجود بین متغیرهاست و نه به دست آوردن پیش‌بینی‌های کوتاه‌مدت. به علاوه، در این مدل‌ها، متغیرهای توضیحی به طور عموم دارای هم‌خطی شدیدی با یکدیگر هستند و از این‌رو، آماره t مربوط به تک‌تک ضرایب، ابزار مطمئنی برای حذف یا کاهش متغیرها به شمار نمی‌آید (اندرس^{۲۵}، ۲۰۰۶). همچنین می‌توان برای بررسی رابطه علیت بین متغیرهای مورد استفاده در VAR یا مشاهده اثر شوک‌های برون‌زا بر متغیرهای الگو، مدل تصحیح خطای برداری (VECM) را با استفاده از تفاضل متغیرهای مورد استفاده در VAR و جزء اخلاص رابطه بلندمدت (در صورت همگرایی بلندمدت بین متغیرها) تشکیل داد.

معرفی داده‌ها و برآورد مدل

در واقع نحوه حکمرانی در یک کشور در بسیاری از موارد در ارتباط مستقیم با نهادهای موجود در یک کشور می‌باشد، با در نظر گرفتن پژوهش‌های مختلفی که در زمینه درج عوامل نهادی همچون نوع حاکمیت در توابع تولید و رشد اقتصادی انجام گرفته و با توجه به مبانی نظری ارائه شده، مدل مورد استفاده در این پژوهش براساس مطالعات کی و همکاران^{۲۶} (۲۰۱۱) و هیوانگ و هو (۲۰۱۷) می‌باشد. بر این اساس معادله (۱) تصریح می‌شود:

$$GDP_t = c + \alpha_1 GGI_t + \alpha_2 OPENESS_t + \alpha_3 TAX_t + \alpha_4 INF_t + \alpha_5 GFCF_t + \alpha_6 EM_t + \alpha_7 GGE_t + \varepsilon_t \quad (1)$$

به طوری که،

GDP_t : رشد اقتصادی برحسب درصد،

GGI_t : شاخص‌های حکمرانی خوب که از میانگین حسابی شاخص‌های؛ کنترل فساد (CC_t)، اثربخشی دولت (GE_t) ثبات سیاسی و نبود خشونت (PS_t)، کیفیت مقررات (RQ_t)، حاکمیت قانون (RL_t)، پاسخگویی و اظهارنظر (VA_t) بدست آمده است.

$OPENESS_t$: شاخص بازبودن تجاری که به صورت نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی محاسبه شده است و برحسب درصد می‌باشد.

TAX_t : درآمدهای مالیاتی برحسب میلیارد ریال و براساس شاخص قیمت سال ۱۳۹۰ واقعی شده است.

INF_t : نرخ تورم برحسب درصد و به قیمت ثابت سال پایه ۱۳۹۰

$GFCF_t$: تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی

EM_t : نرخ اشتغال که به صورت سهم شاغلین به نیروی کار محاسبه شده و برحسب درصد می‌باشد.

GGE_t : مخارج واقعی دولت به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ و برحسب میلیارد ریال.

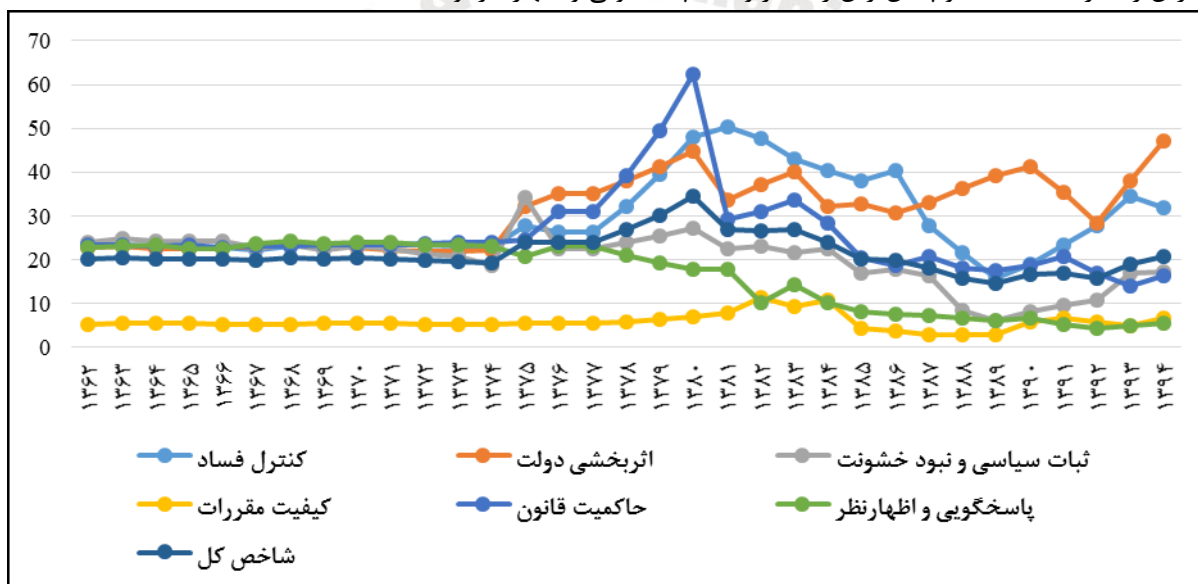
²⁴ Vector Autoregressive Regression

²⁵ Enders

²⁶ Ke et al.

ϵ_i و C به ترتیب جمله اخلاص و عرض از مبدأ مدل برآوردی می‌باشند. لازم به ذکر است متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش به صورت سالانه و از منابع معتبر آماری همچون بانک جهانی، بانک مرکزی و مرکز آمار ایران گردآوری شده است و مربوط به سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۶۲ می‌باشد.

شکل (۱)، روند شاخص‌های حکمرانی را در طی دوره زمانی مورد بررسی نشان می‌دهد، از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۴ روند شاخص‌های حکمرانی ثابت بوده ولی از سال ۱۳۷۵ به بعد این شاخص‌ها دچار نوسانات افزایشی و کاهش‌ی شدند. به طوری که بالاترین میزان کنترل فساد در سال ۱۳۸۱، اثربخشی دولت در سال ۱۳۹۴، ثبات سیاسی در سال ۱۳۸۰، کیفیت مقررات در سال ۱۳۷۷، حاکمیت قانون در سال ۱۳۸۰، پاسخگویی و اظهارنظر در سال ۱۳۷۷ می‌باشد. میانگین حسابی از این شاخص‌ها نیز در سال ۱۳۸۰ بالاترین میزان را به خود اختصاص داده است. در سال ۱۳۹۴ از بین شاخص‌های حکمرانی، اثربخشی دولت بالاترین رتبه را داشته است و پایین‌ترین رتبه مربوط به پاسخگویی و اظهارنظر بوده است.



شکل (۱): روند سری زمانی شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران

برای تشکیل الگوی تصحیح خطای برداری ابتدا لازم است تا از وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مورد استفاده در الگوی VAR اطمینان حاصل شود تا بتوان الگوی VECM را با استفاده از جزء اخلاص رابطه بلندمدت تشکیل داد. اگر رابطه بلندمدت بین متغیرها وجود نداشته باشد، باید از یک VAR تفاضلی^{۲۷} برای تحلیل‌ها استفاده کرد. به منظور تعیین اینکه آیا متغیرهای یادشده در بلندمدت با هم در ارتباط هستند یا خیر، ابتدا آزمون ریشه واحد روی متغیرها انجام می‌شود. شرط اول در وجود رابطه بلندمدت این است که متغیرهای الگو دارای مرتبه انباشتگی یکسان باشند. اگر شرط اول تأمین شود، آنگاه به تعیین تعداد وقفه بهینه برای الگوی VAR پرداخته خواهد شد و تعداد این وقفه‌ها تا جایی است که مشکل خودهمبستگی اجزای اخلاص در هریک از معادلات رفع شود، سپس الگوی VAR با تعداد وقفه بهینه تشکیل و آزمون هم‌انباشتگی با استفاده از روش یوهانسون-یوسیلیوس^{۲۸} انجام می‌شود. در صورت تأیید وجود رابطه بلندمدت، می‌توان الگوی VECM را تشکیل داد و اثرات شاخص‌های حکمرانی خوب را به صورت برون‌زا وارد الگو کرد و اثرات این شاخص‌ها را بر روی رشد اقتصادی ایران مورد بررسی قرار داد.

²⁷ Differential VAR

²⁸ Cointegration Test

یافته‌های پژوهش

بررسی مانایی متغیرها

در روش‌های سری‌زمانی گام نخست بررسی مانایی متغیرها می‌باشد. با توجه به نامانایی اکثر سری‌های زمانی در اقتصاد کلان، بکارگیری اقتصادسنجی متداول برای تحلیل کمی روابط اقتصادی تردیدآمیز جلوه می‌کند. در واقع نامانایی سری‌های زمانی (داشتن ریشه واحد) ممکن است منجر به رگرسیون کاذب شود. لذا قبل از تحلیل‌های هم‌انباشتگی، ابتدا خواص مانایی کلیه متغیرهای مدل بوسیله روش دیکی-فولر تعمیم یافته^{۲۹} (ADF) آزمون می‌شود.

جدول (۱): نتایج آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته (با عرض از مبدأ و روند)

متغیرها	آماره ADF	مقدار بحرانی ۱٪	مقدار بحرانی ۵٪	مقدار بحرانی ۱۰٪
GGI	-۱/۸۲۵۹	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
D(GGI)	-۵/۳۸۴۳	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲
GDP	-۴/۰۱۹۵	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
OPENESS	-۰/۹۵۳۵	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
D(OPENESS)	-۷/۰۹۶۱	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲
TAX	-۳/۳۷۲۶	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
D(TAX)	-۴/۷۶۳۷	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲
INF	-۳/۱۸۳۵	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
D(INF)	-۵/۸۰۵۱	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲
GFCF	-۴/۶۷۱۳	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
EM	-۲/۴۸۸۸	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
D(EM)	-۵/۶۰۲۵	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲
GGE	-۲/۸۵۲۳	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
D(GGE)	-۵/۲۲۱۶	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول (۱)، نتایج آزمون‌های مانایی نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای مدل به غیر از رشد اقتصادی و تشکیل سرمایه ثابت، با یک دوره تفاضل مانا شده‌اند. متغیرهای رشد اقتصادی و تشکیل سرمایه ثابت به ترتیب در سطح ۹۵ و ۹۹ درصد مانا بودن آن‌ها تأیید شده است. به عبارتی قدرمطلق مقدار آماره محاسبه شده برای آن‌ها در سطح از قدر مطلق مقادیر بحرانی بزرگتر شده و بنابراین دارای میانگین، واریانس و ساختار خودکواریانس ثابت هستند. با توجه به اینکه ترکیبی از متغیرهای $I(0)$ یا $I(1)$ وجود دارد، بایستی به منظور بررسی عدم وجود رگرسیون کاذب و وجود رابطه بلندمدت، هم‌انباشتگی بین متغیرها نیز مورد بررسی قرار گیرد.

تعیین و شناسایی بردار هم‌انباشتگی

از آنجایی که یکی از مسائل مهم در برآورد الگوی تصحیح خطای برداری تعیین تعداد وقفه‌های مناسب در این الگوست تا تضمین کند که جملات خطای مربوط به الگو، نوفه سفید و در نتیجه، پایا هستند (ابریشمی و مهرآرا، ۱۳۸۸، ۱۲۷). لذا ابتدا تعداد وقفه‌های مناسب براساس معیار شوارتز بیزین تعیین شده است. براساس نتایج این آزمون، وقفه یک به عنوان وقفه بهینه در مدل تعیین گردیده است. پس از مشخص شدن تعداد وقفه‌های بهینه در الگوها و شناسایی درجه انباشتگی متغیرها، با استفاده از روش یوهانسون-یوسیلیوس به بررسی رابطه بلندمدت بین متغیرها پرداخته می‌شود. برای نیل به این مقصود از دو آماره حداکثر

²⁹ Augmented Dickey-Fuller Test

مقدار ویژه^{۳۰} و آزمون اثر^{۳۱} استفاده می‌شود. اگر آماره‌های آزمون مربوط به این متغیرها از مقدار بحرانی در سطح ۵ درصد بیشتر باشد، فرضیه مقابل مبنی بر وجود یک یا بیشتر از یک رابطه هم‌انباشتگی پذیرفته می‌شود. بدین ترتیب تعداد بردارهای هم‌انباشتگی به دست می‌آید.

جدول (۲): آزمون‌های اثر و حداکثر مقدار ویژه برای برآورد تعداد بردارهای هم‌انباشتگی

آزمون حداکثر مقدار ویژه				آزمون اثر			
فرضیه	فرضیه	آماره آزمون	مقدار بحرانی ۹۵٪	فرضیه	فرضیه	آماره آزمون	مقدار بحرانی ۹۵٪
صفر	مخالف			صفر	مخالف		
$r = 0$	$r = 1$	۷۸/۱۹۳۵	۵۲/۳۶۲۶	$r = 0$	$r = 1$	۲۷۴/۰۳۸۰	۱۵۹/۵۲۹۷
$r \leq 1$	$r = 2$	۶۹/۶۸۵۲	۴۶/۲۳۱۴	$r \leq 1$	$r = 2$	۱۹۵/۸۴۴	۱۲۵/۶۱۵۴
$r \leq 2$	$r = 3$	۵۵/۶۹۷۳	۴۰/۰۷۷۵	$r \leq 2$	$r = 3$	۱۲۶/۱۵۹۲	۹۵/۷۵۳۶
$r \leq 3$	$r = 4$	۳۹/۰۱۰۱	۳۳/۸۷۶۸	$r \leq 3$	$r = 4$	۷۰/۴۶۱۸	۶۹/۸۱۸۸
$r \leq 4$	$r = 5$	۱۷/۲۰۸۸	۲۷/۵۸۴۳	$r \leq 4$	$r = 5$	۳۱/۴۵۱۶	۴۷/۸۵۶۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس هر دو آماره اثر (λ_{trace}) و حداکثر ویژه (λ_{max})، می‌توان وجود چهار بردار هم‌انباشتگی را بین متغیرهای مدل نتیجه گرفت. بر اساس قضیه نمایش گرنجر^{۳۲}، رابطه تعادلی بلندمدت، مستلزم وجود سازوکار یا الگوهای تصحیح خطا است. در واقع، سازوکارهای تصحیح خطا حصول به رابطه بلندمدت را تضمین می‌کنند. بنابراین، روند تغییرات کوتاه‌مدت متغیرها در نهایت به همگرایی بلندمدت منجر می‌شود و می‌توان برای مشاهده روند تغییرات کوتاه‌مدت، الگوی VECM را تشکیل داد.

برآورد روابط بلندمدت مدل و نرمال‌سازی بردار هم‌انباشتگی

پس از تعیین نوع الگو و تعداد بردارهای هم‌انباشتگی، گام بعدی گزارش بردار هم‌انباشتگی است که بتواند روابط بلندمدت متغیرها را با توجه به نظریه‌های اقتصادی و علایم مورد انتظار متغیرها بیان کند.

برای تفسیر نتایج تخمین می‌بایست ضریب متغیر وابسته برابر یک باشد، اما ضریب متغیر وابسته معادلات تخمین زده شده از طریق روش یوهانسون برابر یک نیست، از این رو می‌توان با تقسیم تمام ضرایب متغیرهای وابسته و مستقل بر ضریب تخمینی متغیر وابسته، ضرایب تخمینی را نرمالیزه نمود. بردار نرمالیزه شده بایستی از نظر علامت ضرایب، متناسب با تئوری‌های اقتصادی بوده و همچنین ضرایب متغیرهای توضیحی به لحاظ آماری معنی‌دار باشند. نتایج تخمین بیانگر این است که متغیرهای مدل همگرا هستند و رابطه تعادلی بلندمدت با یکدیگر دارند. در نهایت، روابط بلندمدت میان متغیرها در مدل برآوردی را با استفاده از روش یوهانسون که در بلندمدت عرض از مبدأ اعمال نمی‌شود، می‌توان به صورت معادله (۲) نوشت (اعداد داخل پرانتز، آماره t مربوط به هر متغیر می‌باشد):

$$GDP = 0.02GGI - 1.75OPENESS + 0.001TAX + 0.93INF + 0.91GFCF + 1.41EM + 0.004GGE \quad (2)$$

(۱۰/۹۴) (-۱۷/۲۷) (۴/۶۲) (۱۱/۰۳) (۶/۵۵) (۲/۵۸) (۸/۵۰)

با توجه به معادله (۲) مشخص می‌شود، در بلندمدت حکمرانی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارند. به طوری که افزایش یک درصد در شاخص حکمرانی، رشد اقتصادی ۰/۰۲ درصد افزایش می‌یابد.

تأثیر بازبودن تجاری بر رشد اقتصادی منفی و معنادار است. این موضوع نشان‌دهنده آن است که حجم واردات و صادرات در ایران به اندازه کافی تأمین کننده رشد اقتصادی نبوده است. می‌توان این‌گونه استدلال کرد که در سال‌های اخیر به دلیل تحریم‌های

³⁰ Maximum Eigenvalue

³¹ Trace Test

³² Granger Representation

ورده، ایران با کشورهای کمتری رابطه تجاری داشته و لذا از درجه بازبودن تجاری کمتری نیز برخوردار بوده است. بنابراین اثر بازبودن تجاری بر رشد اقتصادی موجب کاهش رشد اقتصادی شده است.

اثرگذاری مالیات بر رشد اقتصادی می‌تواند از طریق سه کانال؛ اثر بر تصمیمات تخصیصی بنگاه‌ها، اثر بر انباشت عوامل تولید و تأثیرات مالیات بر سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تحقیق و توسعه صورت گیرد. لذا در تمامی مدل‌ها اثر درآمدهای مالیاتی بر رشد اقتصادی مثبت می‌باشد. رابطه نرخ تورم و رشد اقتصادی مثبت و معنادار است، به عبارتی با افزایش تغییرات شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی، عرضه کالاها افزایش یافته، در نتیجه تولید و رشد اقتصادی نیز افزایش می‌یابد. البته بایستی در نظر داشت که تورم‌های بالا موجب اثرات مخرب بر رشد اقتصادی خواهد شد، لذا کنترل تورم امری لازم و حیاتی است. رابطه نرخ اشتغال با رشد اقتصادی مثبت و معنادار است. لذا با افزایش سهم شاغلین به نیروی فعال، رشد اقتصادی در کشور ۱/۴۱ درصد افزایش می‌یابد.

نتیجه تشکیل سرمایه ثابت ناخالص دال بر رابطه مثبت بین رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری در ایران است. به عبارتی با افزایش سرمایه‌گذاری در کشور، منابع سرمایه‌گذاری به مولدترین و کارآمدترین بخش‌های اقتصادی هدایت شده و در نتیجه باعث تسریع رشد اقتصادی می‌شود. با افزایش مخارج واقعی دولت رشد اقتصادی افزایش معناداری داشته است، به عبارتی وظایف دولت در جهت ثبات اقتصادی، تخصیص و توزیع منابع می‌تواند به بهبود رشد اقتصادی کشور کمک بسزایی کند.

برآورد الگوی تصحیح خطای برداری (VECM)

به منظور ارتباط دادن رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرها با تغییرات کوتاه‌مدت آن‌ها، الگوی تصحیح خطای برداری، مورد استفاده قرار گرفته است. الگوی تصحیح خطای برداری با تفاضل‌گیری از متغیرهای مورد استفاده در الگوی VAR و جزء اخلاص رابطه بلندمدت $ECM(-1)$ ساخته می‌شود. به عبارت دیگر، این الگو یک بازخورد تلقی می‌گردد و بنا بر آن متغیر وابسته نسبت به عدم تعادل دستگاه تعدیل می‌شود و حصول به رابطه بلندمدت را تضمین می‌کند. الگوی تصحیح خطای برداری با استفاده از بردار همگرایی انتخابی که در واقع بیانگر رابطه بلندمدت میان متغیرهاست، رابطه کوتاه‌مدت آنها را برآورد نموده و ضریب تصحیح خطا، همگرایی مدل و متغیرهای موجود در آن را نشان می‌دهد. در مدل‌های تصحیح خطا شرط همگرایی آن است که ضریب تصحیح خطا از لحاظ آماری معنادار باشد، قدر مطلق آن بین صفر و یک و از نظر علامت نیز منفی باشد.

در این پژوهش، براساس برآورد الگوی تصحیح خطای برداری در مورد رابطه شاخص حکمرانی و رشد اقتصادی، ضریب تصحیح خطا در مدل کلی ۰/۸۶- درصد می‌باشد و اندازه آماره t برآورد شده برای آن ۲/۸۴- می‌باشد که دلالت بر معنادار بودن آن در سطح ۰/۹۵ دارد (جدول ۳). همانگونه که ملاحظه می‌شود این ضریب دارای علامت موردنظر بوده و بین صفر و یک قرار دارد. مقدار ضریب بدست آمده نشان می‌دهد که در هر دوره ۰/۸۶ درصد اختلاف ناشی از شوک از بین می‌رود و متغیرها به روند بلندمدت خود باز می‌گردند.

جدول (۳): برآورد مدل تصحیح خطای برداری

D(GGI)	D(TAX)	D(OPENESS)	D(INF)	D(GFCF)	D(GGE)	D(EM)	ECM(-1)
۰/۱۳۴۲	-۲۸/۰۱۲۹	-۰/۰۸۹۸	-۰/۲۳۱۱	۰/۱۱۴۹	-۱۸۹/۲۸۴۷	-۰/۰۸۱۶	-۰/۸۶۲۸
(۰/۵۱۱۷)	(۱۵/۰۰۹۶)	(۰/۱۹۲۸)	(۰/۴۳۷۸)	(۰/۱۲۶۸)	(۳۶/۵۰۲۶)	(۰/۰۴۴۷)	(۰/۳۰۳۱)
{۰/۱۳۶۲۲}	{-۱/۸۶۶۳}	{-۰/۴۶۵۷}	{-۰/۵۲۷۸}	{۰/۹۰۶۱}	{-۵/۱۸۵۵}	{-۱/۸۲۵۵}	{-۲/۸۴۶۵}

توضیحات: اعداد داخل کروشه آماره t ، اعداد داخل پرانتز انحراف معیار و اعداد سطر اول ضرایب تصحیح خطا می‌باشد

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۳) نشان می‌دهد، نتایج الگوی تصحیح خطای برداری تأیید کننده روابط بلندمدت و بردار نرمال شده هستند. لذا در کوتاه‌مدت متغیرهای مدل نسبت به عامل خطا به نحوی اصلاح می‌شوند که رابطه بلندمدت بین آنها در الگوی VAR برقرار باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

رشد اقتصادی یکی از شاخص‌های مهم توسعه محسوب می‌شود و با توجه به هدف‌گذاری اکثر کشورها به سمت بهبود و ارتقای سطح رفاه جامعه، مقوله رشد اقتصادی همواره با متون اقتصادی عجین بوده و مطالعات متعددی در خصوص مدل‌های رشد اقتصادی طی دهه‌های گذشته و اخیر انجام شده است. به طوری که در خصوص تبیین علل رشد اقتصادی از نقش سرمایه و نیروی کار به عنوان مهم‌ترین عوامل رشد آغاز شده و به تدریج طی مطالعاتی با ورود عوامل دیگر همچون تغییرات جمعیتی، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، بهداشت، فناوری اطلاعات و ارتباطات، رانت و غیره کامل‌تر شده است.

با این وجود تفاوت‌های چشمگیر در عرصه رشد اقتصادی کشورها لزوم بازنگری و تکمیل نظریه‌های موجود را ضروری دانسته و مطالعات متعددی در خصوص معرفی الگوهای جدید رشد در حال انجام است. آنچه در دهه اخیر مطرح شده، نقش مؤثر حکمرانی خوب با رویکردی نوین مبتنی بر شفافیت عملکردها، پاسخگویی دولت‌ها، حاکمیت قانون و کیفیت قوانین، کنترل و مقابله با فساد و رانت و ارتقای کارآمدی دولت‌ها در الگوهای رشد اقتصادی می‌باشد. به طوری که شواهد تجربی نشان از این دارند که خصوصی‌سازی و ایجاد دولت حداقل به تنهایی نمی‌تواند الزامات رشد و توسعه اقتصادی را به همراه داشته باشد و ضروری است که در کنار کوچک‌سازی حجم فعالیت‌های دولت و گذر از اقتصاد دولتی به خصوصی، برخی از الزامات و سیاست‌ها از قبیل؛ شفاف‌سازی و پاسخگویی دولت، ارتقای کارآمدی، کنترل فساد و رانت، ثبات سیاسی و اقتصادی، مقررات‌زدایی و حاکمیت قانون مصوب در کنار سیاست کوچک‌سازی دولت اتخاذ گردد.

باتوجه به اهمیت موضوع در این پژوهش سعی گردید به بررسی اثرگذاری شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ایران در دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۶۲ پرداخته شود. نتایج حاصل از برآورد مدل در بلندمدت نشان داد این شاخص دارای رابطه مثبت و معناداری با رشد اقتصادی در بلندمدت است. در مورد سایر متغیرهای توضیحی نیز، نرخ اشغال، سرمایه‌گذاری، مخارج دولت، نرخ تورم و درآمدهای مالیاتی دارای رابطه مثبت با رشد اقتصادی بودند ولی بازبودن تجاری دارای اثرگذاری منفی بر رشد اقتصادی بوده است.

نتایج ضریب تصحیح خطای برداری نیز نشان داد، که در هر دوره ۰/۸۶ درصد اختلاف ناشی از شوک از بین می‌رود و متغیرها به روند بلندمدت خود باز می‌گردند.

نتایج این تحقیق نشان داد که سیاست‌گذاران اقتصادی کشور برای افزایش رشد اقتصادی می‌بایست در کنار توجه به افزایش سرمایه فیزیکی، اشتغال و سرمایه انسانی، توجه خاصی نیز به نحوه حکمرانی و ایجاد شرایط و بسترهای مناسب جهت بهبود آن داشته باشند و لذا فعالیت‌های انجام شده جهت بهبود نحوه حکمرانی را به مثابه یک سرمایه‌گذاری مفید تلقی کنند که نتیجه آن بهبود رشد اقتصادی و افزایش رفاه جامعه می‌باشد. در ادامه پیشنهاداتی جهت بهبود حکمرانی خوب و اثربخش در کشور ارائه می‌شود:

- تعریف شاخص‌های حکمرانی خوب از جمله ثبات سیاسی در پرتو حیات و ثبات دولت و عملکرد اقتصادی
- نظام حقوقی سالم در پرتو حاکمیت قانون و کاهش خطر ابطال قراردادهای
- نظام اداری سالم در پرتو کاهش میزان فساد ملی در تمام سطوح
- کاهش میزان خشونت سیاسی در پرتو کاهش تنش‌های قومی، خطرهای جنگ‌ها و منازعات داخلی و میزان تروریسم سیاسی
- پذیرش اصل شکل‌دهی حاکمیت توسعه‌گرا، مقتدر و برخوردار از نظام توسعه مدیریت‌ها و سیستم‌های نوین علمی، فنی، حقوقی و اداری کارآمد
- ایجاد شفافیت در فرایند قانون‌گذاری و عملکرد نهادهای اجرایی
- ثبات در برنامه‌ها و اهداف طراحی شده توسط دولت و عدم تغییر پیاپی سیاست‌ها به نحوی که میزان محیط اقتصادی و سیاسی قابل پیش‌بینی باشد.

فهرست منابع

- اولسن، مانسر (۱۳۸۲). استبداد، مردم‌سالاری و توسعه. ترجمه حسین راغفر، دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی، انتشارات نقش و نگار، چاپ اول.
- ایوانز، پیترو و راج، جیمز (۱۹۹۹). بوروکراسی و رشد اثر ساختارهای دولت و بری بر رشد اقتصادی: یک تحلیل مقطعی-ملی. ترجمه فریبا مؤمنی، مؤسسه مطالعات دین و اقتصاد، فصلنامه اقتصاد سیاسی، ۳.
- برادران شرکاء و ملک الساداتی (۱۳۸۷). تأثیر حکمرانی خوب (براساس شاخص‌های بانک جهانی) بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب (۲۰۰۵-۱۹۹۶). مجله راهبرد، ۴(۴۹)، ۲۷-۵۲.
- بهرامزاده، حسینعلی (۱۳۸۲). توسعه پایدار. مجله تدبیر، ۱۳۴، ۳۵-۴۲.
- جعفری صمیمی، احمد و آذرمنند، حمید (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین آزادسازی اقتصادی و عملکرد اقتصاد کلان در کشورهای جهان (۲۰۰۱-۱۹۸۰). فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۳۷، ۴۱-۶۲.
- شاکری، محبوبه، جعفری صمیمی، احمد و کریمی موغاری، زهرا (۱۳۹۴). ارتباط بین متغیرهای نهادی و رشد اقتصادی: معرفی شاخص نهادی جدید برای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا. فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۶(۲۱)، ۹۴-۱۰۶.
- شریف‌آزاده، محمدرضا و حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین (۱۳۸۲). تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری خصوصی از شاخص‌های امنیت اقتصادی (۱۳۷۹-۱۳۵۸). نشریه نامه مفید، ۳۸.
- عیسی‌زاده، سعید و احمدزاده، اکبر (۱۳۸۸). بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی (مطالعه موردی بین کشوری برای دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۶). پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۳(۴)، ۱-۲۸.
- کمیجانی، اکبر و سلاطین، پروانه (۱۳۸۷). تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD. فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ۲(۲)، ۱-۲۴.
- متفکرآزاد، محمدعلی، اسدزاده، احمد و گرشاسبی‌فخر، سعید (۱۳۹۲). تأثیر حکمرانی خوب بر تولید ناخالص داخلی. دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۲، ۱۲۵-۱۴۴.
- میدری، احمد (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب. مجله رفاه اجتماعی، ۶(۲۲).
- میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳). حکمرانی خوب، بنیان توسعه. مرکز پژوهش‌های مجلس.
- میرزاابراهیمی، رضا (۱۳۸۵). راهکارهای اعمال اصلاحات در حوزه دولت از دیدگاه استیگلیتز. فصلنامه اقتصاد و جامعه، ۷، ۵۴-۷۷.
- ندیری، محمد و محمدی، تیمور (۱۳۹۰). بررسی تأثیر ساختارهای نهادی بر رشد اقتصادی با روش GMM داده‌های تابلویی پویا. مدل‌سازی اقتصادی، ۵(۳)، ۱-۲۴.
- نصیرخانی، پرویز (۱۳۹۳). تأثیر حکمرانی خوب به عنوان شاخص اخلاقی بر رشد اقتصادی. فصلنامه علمی-ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۷، ۱۰۴-۸۵.
- fatas, A., & Mihov, I. (2013). "Policy volatility, Institutions & Economic Growth". *Review of Economics and Statistics*, 95(2). 362-376
- Fayissa, B., & Nsiah, C. (2013). "The impact of governance on economic growth in Africa". *Journal of Developing Areas*, 47(1), 91-108.
- Feng, Y. (2003), "Democracy, Governance and Economic performance: Theory and Evidence", Cambridge: MA, MIT press.
- Gilbert Niyongabo, (2003). Trade openness policy, Quality of institutions and economic growth. *University Auvergne Clermont*, Ffrand, France.
- Huang, C.J., and Ho, Y.H., (2017). Governance and economic growth in Asia. *North American Journal of Economics and Finance*, 39, 260-272.
- Huynh, Kim P, Jacho-Chavez David T. (2009) "Growth and Governance: A Nonparametric Analysis", *Journal of Comparative Economics*. 37, 121-143.
- Jalilian, Hussein. Colin Kirkpatrick and David Parker. (2006). The Impact of Regulation on Economic Growth in Developing Countries: A Cross Country Analysis. *World Development*. 35(1). 87-103.
- Knack, s. (Ed.) (2003), "Democracy, Governance and Growth", Ann Arbor: *The University of Michigan press*.
- Knack, s. and keefer, p. (2003), "Does social capital Have an Economic Payoof: A cross country empirical investigation", *the university of Michigan Press*.
- La porto, R., Lopez- de- silanes, f., shleifer, A. and vishny, R. (1998), "The Quality of Government, Journal of Law". *Economics and organization*, 15 (1): 222-279.



دانشگاه پلی تکنیک سلیمانیه

اولین همایش بین المللی

برنامه ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای

رویکردها و کاربردها (۱۳ و ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۹۶)



دانشگاه کردستان

- World Bank (2002), "Governance Matters II: Updated Indicators for 2000-01". *Policy Research Working Paper* 2772. Washington

